

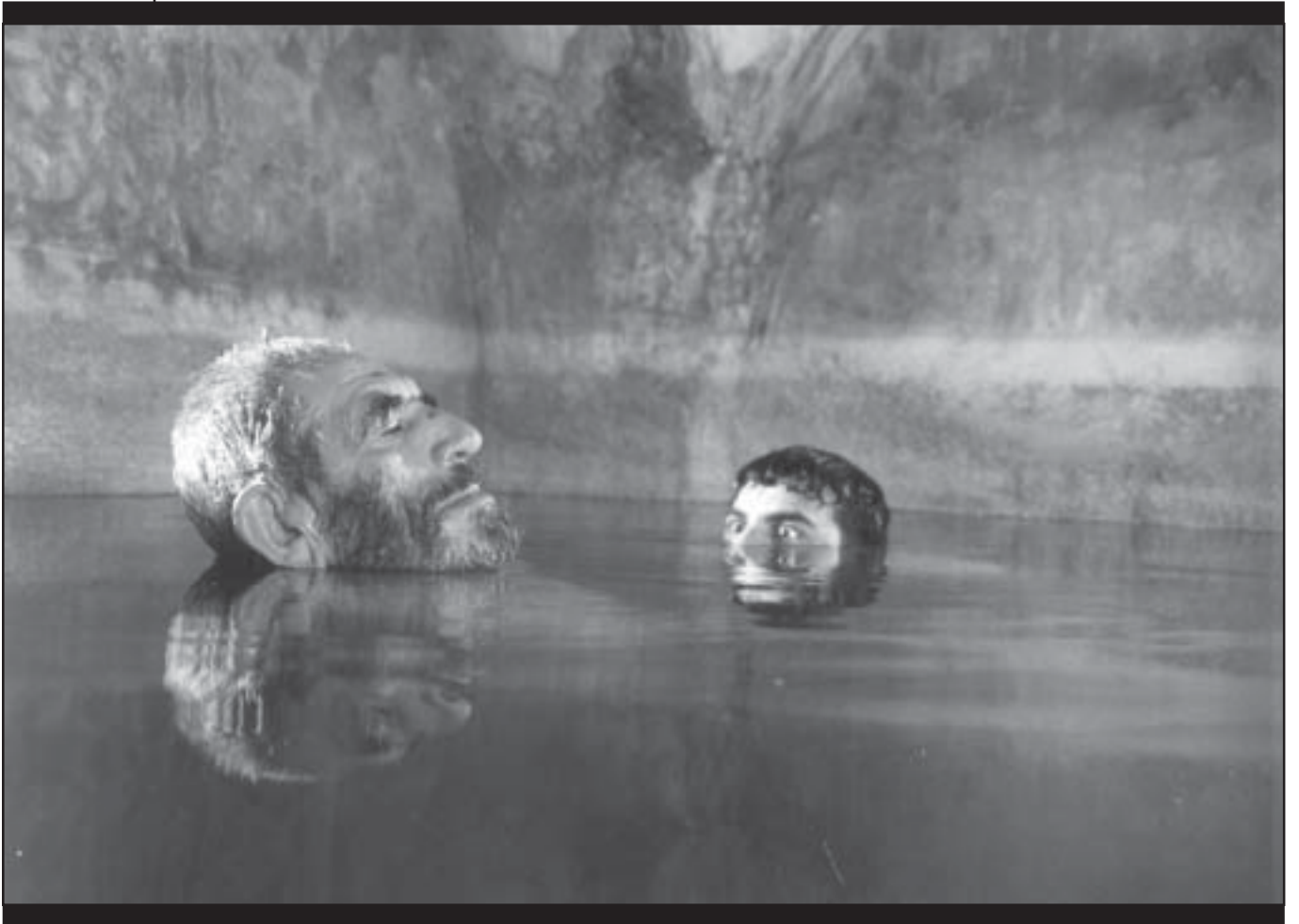


گزارشی از جشنواره کن ۲۰۰۴

هیاهوی ناحیه گرمسیر

مهدی مصطفوی

خواب‌ناخ / عکاس: مسعود انشیری



برای اولین بار بود که یک فیلم اسپانیایی برای این منظور انتخاب می‌شد و اعتبار نام آلمودوار، باعث می‌شد علاقه‌مندان خوش بین باشند که جشنواره امسال شروع خوبی خواهد داشت (فیلم‌های **فانفان لا تولیپ** و **و حالا... خانم‌ها و آقایان** طی دو سال اخیر هیچ کدام افتتاحیه‌های موفقی نبودند). پس از موفقیت جهانی دو فیلم اخیر آلمودوار، وی با **بدآموزی** به درون مایه‌های مورد علاقه و قدیمی خود بازگشته بود. ساختار نوآرگونه و فیلم در فیلم **بدآموزی** انتظارات زیادی برانگیخته بود که خوشبختانه تا قابل قبولی این انتظارات برآورده شد. با انتخاب شدن فیلم‌های مسابقه و بخش‌های فرعی، بیش از پیش احساس شد که دیدگاهی تارانتینویی در انتخاب آنها دخیل بوده است. حضور یک انیمیشن ژاپنی (**معصومیت**) و یک فیلم در سبک

این که گفته می‌شود سه جشنواره کن، ونیز و برلین معتبرترین جشنواره‌های دنیا هستند، حرف درستی است ولی کامل نیست. هیاهوی جشنواره کن آن قدر زیاد است که نمی‌توان آن را در کنار ونیز و برلین قرار داد. حتی شاید یک جایزه فرعی کن، حداقل از نظر عموم، از جوایز اصلی دو جشنواره دیگر مقبولیت بیشتری داشته باشد. جشنواره کن نه تنها در مدت ده روز برگزاری، کانون اخبار سینمایی و هنری است، بلکه پیش از شروع و پس از پایان نیز همچنان در صدر اخبار سینمایی دنیا باقی می‌ماند.

چند هفته قبل از مراسم امسال، نام کوئنتین تارانتینو به عنوان رییس داوران بخش مسابقه و فیلم **بدآموزی** پدرو آلمودوار به عنوان فیلم افتتاحیه جشنواره اعلام شد.

و سیاق **بیل را بکش (پیر پسر)** در بخش مسابقه و انتخاب فیلم جدید ژانگ ییمو در خارج مسابقه که ادامه دهنده راه **قهرمان** محسوب می‌شد، این تصور را تقویت می‌کرد. بر خلاف عرف معمول، ۱۸ فیلم در بخش مسابقه انتخاب شد. گویا برگزارکنندگان مصمم بودند با کاهش فیلم‌ها، کیفیت را بالا ببرند (چند روز مانده به شروع جشنواره، تی بیری فرم، فیلم **موندو وینو** را از خارج مسابقه به بخش مسابقه آورد و تعداد فیلم‌های مسابقه را به ۱۹ رساند). ضمن آن که تنها سه فیلم فرانسوی (در برابر پنج فیلم در جشنواره سال گذشته) در مسابقه شرکت داشتند. **تبعیدی‌ها** اثر تونی گاتلیف، داستان یک زوج الجزایری الاصل بود که تصمیم می‌گیرند بعد از سال‌ها از فرانسه به سرزمین مادریشان بازگردند. این فیلم بدون سروصدا و جنجال آن چنانی توانست جایزه بهترین کارگردان را برای گاتلیف به ارمان آورد. **به من نگاه کن** اثر انیس ژایی، یکی از بهترین فیلم‌های جشنواره امسال، اثری بود شخصیت کاوانه که به رابطه چهار



شخصیت اصلی‌اش می‌پرداخت. ژایی، قبلاً با فیلم **کمدی طعم دیگران** در جشنواره کن حضور داشته و با فیلم جدیدش موقعیت خود را تحکیم بخشید. فیلمنامه این فیلم که حاصل همکاری ژایی با همسرش، ژان پییر باکری بود، جایزه بهترین فیلمنامه کن را دریافت کرد. ضمناً این دو در فیلم بازی هم می‌کنند. سومین فیلم فرانسوی **پاک** اثر الیویه اسایاس بود. اسایاس که قبلاً از نویسندگان کایه دو سینما بوده، مدتی است که به طور جدی حرفه فیلم‌سازی را ادامه می‌دهد، هر چند به نظر می‌رسد همچنان علاقه دارد دست به تجربه‌های جدید بزند. گرچه موضوع فیلم **پاک** (زنی شوهرش را از دست می‌دهد و خودش به دلیل قاچاق مواد مخدر به زندان می‌رود. پس از زندان، اعتیادش را از دست می‌دهد و سعی می‌کند فرزندش را از دست پدر شوهر و مادر شوهرش خارج کند) خیلی ساده و سراسر است، ولی در سینمای پیچیده اسایاس تجربه‌ای جدید است. مگی چونگ، برای بازی در این فیلم جایزه بهترین بازیگر زن را گرفت تا در مجموع هر سه فیلم فرانسوی امسال از جوایز اصلی بی‌نصیب نمانده باشند. ۲۰۴۶ اثر پرسروصدای وانگ کاروای، انتظارات زیادی را برانگیخته بود. گروهی از بهترین هنرپیشه‌های شرقی در آن بازی می‌کردند و سوژه غریب و این که گفته می‌شد فیلم به نوعی دنباله **در حال و هوای عشق** است، جلب توجه می‌کرد. ۲۰۴۶ در روزهای پایانی به نمایش درآمد، ولی شاید اگر روزهای اول اکران می‌شد، نسخه متفاوتی را منتقدان می‌دیدند، چرا که تا چند روز پیش از اکران، عوامل آن شدیداً مشغول تدوین نهایی بودند. داستان آن، درباره نویسنده‌ای است که زمانی به نام ۲۰۴۶ می‌نویسد و در این رمان علمی-تخیلی قطاری وجود دارد که به جای حرکت در مکان، در زمان حرکت می‌کند! علی‌رغم این که گفته می‌شد تاراتینو به سینمای وانگ کاروای علاقه دارد، ولی فیلم نتوانست هیچ جایزه‌ای به دست آورد. امسال بازار فیلم‌های مستند نیز داغ بود. دو فیلم در بخش مسابقه و حداقل یک فیلم خارج آن (Tarnation) مستند بودند. **موندو وینو** اثر جانانان نویسنده، فیلمی بود

درباره تجارت شراب در سه قاره دنیا به عنوان مظهر مدرنیته غربی، هر چند چندان راضی‌کننده نبود. مستند دیگر، **فانهایت ۹۱۱** بود که همراه با ۲۰۴۶ از داغ‌ترین فیلم‌های جشنواره امسال محسوب می‌شد. فیلم که موضوعات مختلفی را در بر می‌گیرد، عموماً حول انتقاد به دولت بوش چرخ می‌زند. زبان گزنده مایکل مور که در **بولینگ برای کلمباین** دیده بودیم، همچنان حضور دارد. البته ظاهر این فیلم در مقایسه با فیلم قبلی، خویشتندارتر است. به گفته برخی از حاضران جشنواره، **فانهایت ۹۱۱** هیچ‌گاه نتوانسته در حد و اندازه‌های **بولینگ برای کلمباین** باشد، ولی جو غالب ضد آمریکایی در جهان و خصوصاً فرانسه، کافی بود تا فیلم نخل طلا را برود پس از حدود چهار سال این جایزه به فیلمی مستند برسد. هر چند تاراتینو و تیلدا سویتون (داور دیگر جشنواره) بارها بر ارزش‌های سینمایی فیلم تأکید کردند. ممنوعیت اکران فیلم در آمریکا نیز تور را داغ‌تر کرد. البته برادران وینستاین موفق شدند حقوق پخش آن را از دیسنی بخرند و فیلم به زودی در آمریکا اکران خواهد شد. (اخیراً به دلیل دانلود بیش از حد تیزر فیلم از اینترنت، سایت آن با مشکل مواجه شد.)

زندگی **یک معجزه است** امیر کوستاریکا، مضامین آشنای سینمای او را در دل جنگ بوسنی به تصویر می‌کشد. فیلم، داستان یک سری آدم است که با وقوع جنگ زندگیشان تماماً دچار تغییر می‌شود. **هیچ کس نمی‌داند** از آن فیلم‌هایی بود که تماشایش حوصله و طاقت فراوان می‌خواست. کوره ایدا هیروکازو داستان زندگی چند برادر و خواهر کودک و نوجوان را تعریف می‌کرد که پدرشان مرده و مادر ترکشان می‌کند. مدت زمان طولانی فیلم از کیفیت آن کاسته بود. بازیگر نقش بزرگ‌ترین برادر، یویا یاگیری چهارده ساله، جایزه بهترین بازیگر مرد را دریافت کرد. **بیماری ناحیه گرمسیر** چندان فیلم خوبی نبود، ولی از آنجا که اولین حضور تایلند در تاریخ بخش مسابقه کن محسوب می‌شد، اهمیت داشت. جایزه فرعی هیئت داوران به این فیلم تعلق گرفت. **دختر مقدس** ساخته لوکرچا مارتل، فیلم آرژانتینی لطیفی بود با درون‌مایه مذهبی درباره دختری در سن بلوغ که با مادرش در هتل کوچکی کار می‌کند. **اجوکاتورز** پس از حدود ده سال، اولین حضور آلمان در بخش مسابقه بود. هانس وینگارتر، فیلمی ساخته بود درباره سه جوان (دو پسر و یک دختر) که علیه ارزش‌های سنتی جامعه آلمان به پا می‌خیزند؛ فیلمی با ظاهر آنارشستی ولی ملایم که سعی داشته به شخصیت‌هایش عمق دهد. **خاطرات موتورسیکلت** ساخته والتر سالس، یکی از امیدهای جشنواره امسال بود و از روی سفرنامه‌ای از چه گوارا با همین نام ساخته شده بود. **خاطرات موتورسیکلت** ساختاری مستندگونه داشت که سفر دو جوان را با یک موتور در قاره آمریکای جنوبی پی می‌گرفت. گال گارسیا برنال با بازی در این فیلم و **بدآموزی** موقعیت خود را به عنوان چهره جدید فیلم‌های هنری تثبیت کرد. اریک گوتیه به دلیل فیلمبرداری این فیلم و فیلم **پاک** جایزه تکنیکی جشنواره را دریافت کرد. **پیر پسر** اثر پارک چان ووک، که توانست جایزه بزرگ جشنواره را دریافت کند، درباره مردی بود که بی‌دلیل سر از زندان درمی‌آورد. این فیلم کافکایی، صحنه‌های نبرد خیره‌کننده و نفس‌گیری داشته که مسلماً دل تاراتینو را برده است. **پیامدهای عشق** پائولو سورنتینو، تنها فیلم ایتالیایی حاضر در مسابقه، داستان مردی است تنها که هشت سال تمام را در هتلی دورافتاده به سر می‌برد و بیننده باید بخش عظیمی از فیلم را با تنهایی او کنار بیاید تا در نهایت سر از کارهایش درآورد. احتمالاً درباره این فیلم بعدها بیشتر خواهیم شنید. فیلم‌های دیگر بخش مسابقه عبارت بودند از **روح در غلاف: معصومیت** اثر اوشی مامورو، **شرک ۲** اثر اندرو ادامسون، کلی آزبری و کونراد ونون، **قاتلان پیرزن** اثر اتان کونن و جوئل کوئن، **زندگی و مرگ پیتر سلرز** اثر استیون هاپکینز و **زن، آینده مرد است** اثر هانگ سانگ سو. در میان فیلم‌های بخش نوعی نگاه، جایزه به فیلم اسراییلی **اور** اثر کرن یادیا رسید که به مشکل فحشا در اسراییل می‌پرداخت. همچنین از فیلم‌های **گذرگاه‌ها** اثر یانگ چائو و **خواب تلخ** اثر محسن امیر یوسفی تقدیر شد.